فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۱۸، شماره ۲۲، پاییز ۱۴۰۲

بررسی و مقایسه هوش‌اجتماعی و هوش‌هیجانی در دانش‌آموزان دوزبانه و تک‌زبانه شهر اهواز

حدیث دهنوی[۱]، وحیده رحمانی یوسفی[۲]، صفا نیسی[۳]

چکیده

هدف: پژوهش‌حاضر به منظور بررسی و مقایسه هوش‌اجتماعی و هوش‌هیجانی در دانش‌آموزان دوزبانه و تک‌زبانه مقطع ابتدایی شهر اهواز انجام گردید. **مواد و روش‌ها:** جامعه آماری این پژوهش شامل دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع ابتدایی شهر اهواز بود. و نمونه پژوهش شامل ۸۰ دانش‌آموز دختر و پسر (۲۹دختر و ۵۱پسر) که به روش دردسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرشنامه هوش‌اجتماعی سیلورا و همکاران(۲۰۰۱)، پرسشنامه هوش‌هیجانی شوت(MSEIS) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس‌چندمتغیری مورد بررسی قرار گرفتند. **یافته‌ها:** آزمون تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) نشان داد که بین دو گروه، در هوش‌هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین بین زیرمقیاس‌های آن(تنظیم هیجان، ارزیابی هیجان و بهره‌برداری از هیجان) نیز بین دو گروه دانش‌آموز یک‌زبانه و دوزبانه تفاوت معناداری در سطح ($P \leq ۰/۰۵$) وجود دارد. از لحاظ هوش‌اجتماعی نتایج جدول ۳ نشان داد بین دو گروه دانش‌آموز یک‌زبانه و دوزبانه از لحاظ توانایی هوش‌اجتماعی تفاوت معناداری وجود ندارد. **نتیجه‌گیری:** نتایج نشان داد که میانگین نمره کل هوش‌هیجانی در دانش‌آموزان دوزبانه در مقایسه با تک‌زبانه بیشتر است. همچنین در تمامی مولفه‌های زیر مجموعه هوش‌هیجانی‌کودکان دوزبانه از تک‌زبانه بهترعمل می‌کنند اما درخصوص هوش‌اجتماعی در بین دانش‌آموزان دوزبانه وتک‌زبانه تفاوت معناداری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: هوش‌اجتماعی،هوش‌هیجانی،دوزبانه، تک‌زبانه

[۱] کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه لرستان
[۲] دانشجوی ارشد تکنولوژی آموزشی، دانشگاه پیام نور، کرمانشاه، واحد روانسر
[۳] دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد، واحد تهران شمال (نویسنده مسئول) Safa.neisi@gmail.com

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

مقدمه

امروزه دوزبانگی[1]یا چندزبانگی یک پدیده‌ی جهانی است و تقریباً به ندرت میتوان کشوری را سراغ داشت که دست کم بخش کوچکی از جمعیت آن به دو یا چند زبان تکلم نکنند (پالستون،۱۹۹۷). در جهان کنونی دوزبانگی و چندزبانگی امری عادی است و یافتن کشوری که در بین گویشوران آن حداقل دو یا چندزبان وجود نداشته باشد تقریبا امری محال است. فردی دو زبانه یا چندزبانه خوانده می‌شود که علاوه بر زبان مادری خویش دارای مهارت‌های هم‌اندازه در زبان دیگر باشد و این توانایی را داشته باشد که بتواند هر یک از آن‌ها را به طور مساوی مورد استفاده قراردهد (مصطفی زاده،۱۳۹۷). دوزبانگی رفتار پیچیده روان‌شناختی، زبانی، اجتماعی- فرهنگی است که ابعاد گوناگونی دارد. دوزبانگی وضعیتی است که فرد به زبان دیگری غیر از زبان مادری خود تعلیم و آموزش داده می‌شود. زبان مادری نخستین زبانی است که فرد یاد می‌گیرد، زبانی‌که در ابتدا با آن صحبت می‌کند، با آن پرورش می‌یابد و عناصر فرهنگی و اجتماعی محیط اجتماعی خود را با آن زبان دریافت می‌کند، و با آن زبان به هویت و فردیت می‌رسد اما در بسیاری از کشورها، زمانی که کودک به سن آموزش رسمی می‌رسد با زبانی غیر از زبان مادری خود که از ابتدای تولد آموزش دیده و با زبان رسمی کشور که و از لحاظ آوایی – واژگانی و دستوری با زبان مادری فرد متفاوت است، آموزش داده می‌شود و از این مرحله است که پدیده دوزبانگی ایجاد می‌شود. بنابراین، دوزبانه به فردی گفته می‌شود که از زمان شروع آموزش رسمی، با زبان دیگری که در کشور عمومیت یافته و در حکم زبان دوم است، آشنا شده و آموزش می‌بیند (ماهینی و همکاران ،۱۴۰۲). در رابطه با تعریف دوزبانگی در بین محققان تفاهم نظر وجود ندارد. عموماً اصطلاح دو زبانه به افراد یا گروه‌های گفته می‌شود که توانش زبانی آن‌ها در آن دو زبان به ویژه در ابعاد کلامی و شنوایی، در حد کاربران بومی آن دوزبان[2]باشد. به افرادی دوزبانه گفته می‌شود که توانایی صحبت کامل داشته باشند و بتوانند مفاهیم را به زبان دیگر بیان کنند (ماهینی و همکاران،۱۴۰۲). اصطلاح دوزبانگی به افراد یا اجتماعاتی گفته می‌شود که از دو زبان برای ارتباط استفاده می‌کنند. تعریف فرهنگ لغات آکسفورد، اصطلاح دوزبانه به فردی اطلاق میشود که قادر است کلام خود را به دو زبان مطرح کند و یا فردی که دو زبان را می‌داند و از آن دو استفاده می‌کند (لیو و همکاران،۲۰۰۳). عموماً اصطلاح دوزبانه به افراد یا گروه‌هایی اطلاق می‌شود که توانش زبانی آن‌ها در آن دو زبان، به ویژه در بعد کلامی، در حد کاربران بومی آن دو زبان باشد. به هر حال طبق نظر باتلر و هاکوتا[2]«دوزبانگی رفتار پیچیدۀروانشناختی، زبانیِ و اجتماعی فرهنگی‌است که ابعاد گوناگونی دارد. در بعضی از جوامع، دو زبانگی برای افراد آن جامعه به ویژه کودکان یک ضرورت است، کشور ما ایران سرزمین مادری گروه‌های قومی – زبانی مختلفی است که به زبان‌های فارسی،ترکی،کردی،عربی و گویش‌های مختلف صحبت می‌کنند به عبارتی افراد بسیاری هستند که از دوزبان برای ارتباط استفاده می‌کنند، ولی ابزار رسمی آموزش، زبان فارسی است و اغلب همین ابزار آموزش، زمینه ساز مشکل و دوگانگی زبان خانه و مدرسه می‌شود (آنگوستت،۲۰۱۰). و بر یادگیری و آموزش افراد آن جامعه تأثیر می‌گذارد (توشی و همکاران،۲۰۲۳). استفاده از زبان مادری کودک در آغاز ورود به مدرسه به علت پیوستگی در استفاده از نمادهای زبان شناختی آموخته شده اولیه، سبب ارتقای قوه تفکر و هوش دانش‌آموز شود. این در حالی است که کنار گذاشتن این نمادها و به‌کارگیری نمادهای ناآشنا به احتمال زیاد باعث وقفه در تحول فکری او خواهد شد و یادگیری‌ها در محیط مدرسه و در محیط خارج از آن به گونه‌ای شایسته تکرار و تقویت نمی‌شود(حسینی و همکاران، ۲۰۰۳). شواهدی در دست نیست که نشان دهد دوزبانگی زود هنگام موجب آسیب رساندن به قوای ذهنی و شناختی کودک می‌شود. حتی شواهد تا حدی حاکی از تأثیرات مثبت دوزبانگی زود هنگام بر قوه تفکر کودک می‌باشند(چامسکی و همکاران،۲۰۱۸). با توجه به اینکه پردازش ذهنی و تفکر از زبان مستقل‌اند، به نظر می‌رسد در آینده محققان از تأثیر مستقیم زبان بر هوش سخن به میان آورند. پیامدهای منفی دوزبانگی زمانی بروز پیدا می‌کند که

1.Bilingual
2. Butter andHakuta
3. Emotional in telligence

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

زبان مادری فقط وسیله‌ی محاوره در خانه و جامعه باشد و جایی در نظام آموزش کودک نداشته باشد. یکی از متغیرهایی که به نظر می‌رسد با دوزبانگی در پیوند باشد، هوش هیجانی[3] است. انسان‌ها در عین اینکه موجودات عقلانی هستند و خصایص هیجانی دارند که این ویژگی‌ها، آن‌ها را به موجودات هیجانی نیز تبدیل کرده است. سال‌ها در فرهنگ‌های مختلف به واسطه‌ی سنت‌ها و قواعد مرسوم، عمل کردن براساس هیجان‌ها مذموم شمرده شده است: زیرا این باور وجود داشته است که هیجان‌ها منشأ خشونت هستند و این ویژگی با فرآیندهای عالی تفکر همچون هوش درتضاد می‌باشند اما امروزه روانشناسان با طرح مفهوم هوش‌هیجانی سعی داشته‌اند این موضوع را روشن کنند که دو مقوله هوش و هیجان در تقابل با یکدیگر نیستند[1](ساندرانجا و همکاران،۲۰۱۰). هوش‌هیجانی بر حسب الگوی مهارت‌مدار[2] سالووی و مایر[3](مایر و همکاران،۲۰۰۲) (۱۹۹۷ به نقل از براکت و همکاران[4] ،۲۰۰۷). به عنوان ادراک درست هیجانات، استفاده از هیجانات در آسان‌سازی تفکر، درک هیجانات و تنظیم هیجانات در خود و دیگران در نظر گرفته شده‌است(براکت و همکاران ،۲۰۰۶). بارآن[5](۱۹۹۷به نقل از هدلاند و استرنبرگ[6]،۲۰۰۰) در الگوی خود مفهوم هوش‌هیجانی را بسیار گسترده‌تر تعبیر و تفسیر کرد. او هوش‌هیجانی را به عنوان توانایی‌های غیرشناختی[7]، دانش و شایستگی‌هایی می‌داند که شخص را قادر می‌کند به طور موفقیت‌آمیزی با شرایط مختلف زندگی انطباق یابد. برآن پنج حوزه‌ی شایستگی را برشمرده است که می‌تواند معادل ظرفیت‌های هوش‌هیجانی باشد.۱)مهارت‌درون فردی[8] که خودآگاهی هیجانی، ابراز وجود، خودتنظیمی، شکوفایی و استقلال را شامل می‌شود.۲)مهارت-های میان فردی[9] که روابط بین فردی، مسئولیت، تعهد اجتماعی و همدلی را شامل می‌شود. ۳)مهارت انطباقی[10] که مسئله گشایی، واقع‌گرایی یا آزمون واقعیت و انعطاف پذیری را شامل می‌شود.۴)کنترل فشار روانی[11]، که تحمل فشار روانی و کنترل تکانه رادر برمی‌گیرد .۵) خلق و خوی عمومی[12] که خوشبینی و شادمانی را شامل می‌شود. بنابراین هیجانات با ارزیابی جنبه‌های مثبت و منفی موقعیت، هماهنگی پاسخ‌های مناسب تحت شرایط استرس‌زا همراه هستند(پاسکول،۱۹۷۹). براساس دانش کنونی از هوش هیجانی(مایر و همکاران،۲۰۰۴) هیجانات منابع اطلاعاتی مستقلی هستند که هوش بر اساس آن‌ها عمل می‌کند(مایر،۲۰۰۱). آوریل(۲۰۰۷) معتقد است افراد باهوش هیجانی قواعد و باورهایی را درک می‌کنند،که یک هیجان را معنی‌دار می‌کند و قادر هستند به طور صحیح موقعیت را ارزیابی و احساسات خود را ماهرانه بیان کنند. اگر پاسخ ارائه شده در تطابق با باورها و قواعد فرهنگی باشد، مؤثر بودن و همینطور«هوشمند» بودن آن محتمل است. به این سبب هوش‌هیجانی یک مؤلفه همگرا می‌باشد یعنی همگرایی به سمت آنچه که مورد پذیرش فرهنگ است. دانیل گلمن(۱۹۹۵)، هوش‌هیجانی رو چنین توصیف می‌کند: «نوع دیگر از هوش است، مشتمل بر شناخت احساسات خویشتن و استفاده ازآن برای اتخاذ تصمیم‌های مناسب در زندگی. توانایی اداره مطلوب خلق و خوی و وضع روانی و کنترل تکانش هاست. عاملی است که به هنگام شکست ناشی از دست نیافتن به هدف، در شخص انگیزه و امید ایجاد می‌کند. هم‌حسی، یعنی آگاهی از احساسات افراد پیرامونمان. مهارت اجتماعی، یعنی خوب تاکردن با مردم و کنترل هیجان‌های خویش در رابطه با دیگران و توانایی تشویق و هدایت آنان(گلمن،۱۹۹۵). به نظر گاردنر(۱۹۸۳)، هوش‌هیجانی از مؤلفه هوش درون‌فردی و هوش میان فردی تشکیل شده‌است. هوش درون‌فردی مبین آگاهی فرد از احساسات و هیجانات خویش، ابزار باورها و احساسات خود، احترام به خویشتن، تشخیص استعدادهای‌ذاتی، استقلال در انجام کارهای موردنظر، و در مجموع میزان کنترل شخص بر

1.Averill
2.Skill-based
3. Salovey & Mayer
4.Brackett & Katulak
5.Bar-On
6.Hedlund & Sternberg
7.Non-Cognitive
8. Interpersonal
9 .Interpersonal
10.Adaptability
11.Stress management
12.General mood

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

هیجان و احساسات خود است. هوش میان‌فردی به توانایی درک و فهم دیگران اشاره دارد می‌خواهد بداند چه چیزهایی انسان را برمی‌انگیزند. به اعتقاد سالووی و مایر، هوش‌هیجانی نوعی هوش‌اجتماعی است که با توانایی نظارت بر هیجانات خود و دیگران تشخیص و استفاده از اطلاعات برای راهنمایی اعمال تفکر خود سروکار دارد(سالووی‌ومایر،۱۹۹۰). آبرام(۲۰۰۶)، هوش‌هیجانی را مجموعه مهارت‌هایی می‌داند که به ارزیابی صحیحی از هیجان‌هایمان و شناسایی علائم هیجانی در دیگران کمک می‌کند و همچنین به استفادهٔ شخصی از احساس‌ها برای آن که خود را برانگیزد و در زندگی خویش موفق شود، اشاره دارد. هوش‌هیجانی یعنی توانایی مهار تمایل‌های عاطفی و هیجانی خود و درک احساس‌های دیگران. هوش‌اجتماعی به عنوان توانایی به انجام رساندن وظایف و کارهای بین‌فردی و خردمندانه رفتارکردن در رابطه‌ها مطرح می‌شود در خصوص افراد دوزبانه در پژوهش بشارت(۱۳۸۵) و نیازی(۱۳۹۲) حاکی از آن است که هوش‌هیجانی در دوزبانه‌ها بیشتر از تک‌زبانه هاست و پسرها نسبت به دخترها از هوش‌هیجانی بالاتری برخوردارند. به علاوه پارکر[1] و همکاران(۲۰۰۵)، براکت[2] و همکاران(۲۰۰۷)، آدیمو[3] (۲۰۰۸) و دیوید[4](۲۰۰۴) در مطالعات خود در زمینه تفاوت‌های دو جنس در مقیاس هوش‌هیجانی به این نتیجه رسیدند که زنان از هوش‌هیجانی بالاتری برخوردارند. هوش‌اجتماعی به عنوان قابلیتی شناخته می‌شود که به فرد اجازه می‌دهد که رفتار مناسب را جهت دستیابی به یک هدف مشخص داشته باشد اینطور بنظر می‌رسد که هوش‌اجتماعی به معنی باهوش بودن در رابطه‌هاست نه درباره آن‌ها. برخی از محققان براین باور هستند که جنبه‌های اجتماعی نه بیشتر از جنبه‌های ذهنی، ولی به اندازه آن‌ها مهم هستند(کراوان،۲۰۰۹). هوش‌اجتماعی توانایی افراد برای ارتباط با دیگران، درک آن‌ها و تعامل مؤثر با آن‌ها میباشد که شامل شناخت احساسات دیگران، گوش‌دادن، توجه به وضعیت عاطفی و کمک به آن‌ها در مدیریت احساساتشان است(مارتیٌ،۲۰۰۵). تونی بوزان هوش اجتماعی را " بخشی از طیف وسیع مهارت‌های-اجتماعی" میداند. از نظر تونی بوزان هوش اجتماعی" صرفاً میزان سازگاری و ارتباط با اطرافیان" است هوش‌اجتماعی در رفتاراجتماعی فرد ظاهر می‌گردد بنابراین طرز ارتباط فرد با دیگران و ایجاد روابط رضایت‌آمیز با ایشان که نتیجه فعالیت هوش‌اجتماعی است در سازگاری این جنبه از هوش تأثیر دارد(بوزان،۲۰۰۵). گلمن در سال ۲۰۰۶ هوش‌اجتماعی را به دو طبقه کلی آگاهی اجتماعی و امکانات اجتماعی تقسیم کرد، او آگاهی اجتماعی را به عنوان آنچه ما نسبت به دیگران احساس می‌کنیم و امکانات اجتماعی را به عنوان آنچه که ما بعد از کسب این آگاهی انجام می‌دهیم تعریف کرده است(دانگ و همکاران،۲۰۰۸). درتعریفی‌که به نظر می‌رسد جامع‌تر باشد؛ هوش‌اجتماعی عبارت است از توانایی بکارگیری مهارت‌های ارتباطی، روابط دوستانه بادیگران، رفتارهای‌اجتماعی و هم‌دلی با دیگران. مؤلفه‌های هوش‌اجتماعی را شامل پردازش اطلاعات اجتماعی(SIP)، مهارت‌های اجتماعی(SS) و آگاهی‌های‌اجتماعی(SA) می‌دانند. سیلورا معتقد است هوش‌اجتماعی ساختاری چندوجهی داد(سیلورا و همکاران،۲۰۰۱). پردازش اطلاعات اجتماعی بر توانایی درک و فهم و پیش‌بینی رفتار و احساسات دیگران تأکید میکند و توانایی فهم پیام‌های کلامی و غیرکلامی در روابط انسانی، درک پیام‌های پنهانی و همچنین پیام‌های آشکار را مورد سنجش قرار میدهد. مهارت‌های‌اجتماعی برجنبه‌های رفتاری از قبیل توانایی وارد شدن در موقعیت‌های اجتماعی جدید و سازگاری‌اجتماعی تأکید می‌کند و مهارت‌های‌ارتباطی بنیادی نظیر گوش دادن فعال، عمل‌کردن جسورانه و همچنین برقراری، نگهداری و شکستن رابطه را اندازه گیری می‌کند. آگاهی‌اجتماعی، گرایش به آگاهی یا شگفت‌زدگی نسبت به رویدادها در موقعیت‌های اجتماعی را مورد تأکید قرار می‌دهد و توانایی فعالانه رفتار کردن مطابق با موقعیت، زمان و مکان را مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهد(رضایی،۱۳۹۰). موضوع هوش بسیار جذاب است و به طور پیوسته تکامل می‌یابد. زمینه‌های متفاوتی از هوش هست که می‌تواند مورد آزمایش قرار گیرد. بسیاری از پژوهشگران از نظریه توانایی ذهنی کلی

1.Parker
2.Brackett
3.Adeyemo
4.David

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

حمایت می‌کنند که می‌تواند به عنوان توانایی مقابله با پیچدگی‌ها تعریف شود(گاتفردسون[1]،۲۰۰۲؛سلگیوعلیپور،۱۳۹۱). این پژوهشگران، معمولاً با نظریه‌های چندگانه مخالف هستند(آلبرشت،۲۰۰۶).[2]این نظریه مورد حمایت دیگر پژوهشگران قرار دارد که باور دارند هوش می‌تواند به عنوان یک مجموعه مکانیسم محاسباتی نیمه خودکار تعریف شود(گاردنر،۲۰۰۶). بنابراین هوش‌های متفاوت از یکدیگر مجزا نیستند بلکه بر یکدیگر تأثیر میگذارند(موران،[3] و همکاران گاردنر۲۰۰۶،[4]؛ سلگیو علیپور،۱۳۹۱). افراد در موقعیت‌های‌اجتماعی بخاطر تفاوت‌های فردی، یکسان عمل نمی‌کنند این تفاوت‌های فردی در ادبیات روانشناسی به هوش اجتماعی اشاره دارد. هوش‌اجتماعی برای نخستین بار زمانی که ثرندایک هوش را در سال۱۹۲۰ به عنوان هوش‌اجتماعی، مکانیکی و انتزاعی در تبیین رفتار و کردار انسان تعریف کرد به صورت جدی مورد بحث قرار گرفت، وی هوش‌اجتماعی را به عنوان توانایی درک دیگران و رفتارعاقلانه در ارتباطات‌انسانی تعریف کرده است(دوگان[5] و همکاران،۲۰۰۹؛ نصیری ولیک نبی و همکاران ،۱۳۹۳). از زمانیکه ثراندیک در سال ۱۹۲۰ هوش را به عنوان«هوش اجتماعی» توانایی شناخت افراد و توانایی عمل خلاقانه در روابط انسانی، «هوش مکانیکی» مهارت‌های ساختن و به کار بردن ابزار و وسایل و «هوش انتزاعی» توانایی کاربرد کلمات، اعداد و اصول علمی تعریف کرد؛ هوش‌اجتماعی به مهم‌ترین موضوع بحث تبدیل شد. نیجهولت و[6] همکاران(۲۰۰۹) هوش‌اجتماعی را به عنوان توانایی ضروری برای افراد به منظور ارتباط، درک و تعامل مؤثر با دیگران تعریف کرده‌اند(سلگیو علیپور ،۱۳۹۱). همچنین هوش‌اجتماعی عبارت است از توانایی بکارگیری مهارت‌های‌ارتباطی، روابط دوستانه با دیگران، رفتارهای اجتماعی وهم‌دلی با دیگران. نیجهولت و همکاران هوش‌اجتماعی را به عنوان یک توانایی ضروری برای افراد به منظور ارتباط، درک و تعامل مؤثر با دیگران تعریف کرده‌اند که مؤلفه‌های آن عبارتند از: پردازش اطلاعات اجتماعی؛ یعنی توانایی درک و فهم و پیشبینی رفتار و احساسات دیگران. آگاهی اجتماعی؛ درک مناسب از نگرانی‌ها و احساسات سایرین از ارکان موفقیت درفعالیت‌های اجتماعی. و مهارتهای اجتماعی؛ حساسیت به دیگران، برای کسب عملکرد شغلی برتر، توانایی شناخت نیازهای دیگران؛ و درنهایت توانایی شناسایی نگرانی‌های دیگران. برای شکوفایی هر چه بیشتر این هوش توجه به نکات زیرالزامایست:۱- هماهنگی حرکات بدنی با گفتار۲- افزایش معاشرت و ارتباط با دیگران۳- آموزش اولیه در خانواده۴- ارتباط وتبادل افکارو اطلاعات۵- نهادینه‌کردن آموزش هوش‌اجتماعی در مدرسه و جامعه۶- تقویت هنر شنونده بودن۷- برخورد با هر فرد به آن صورتیکه هست و استحقاق دارد ۸- ارزش قائل شدن برای سخنان افراد مقابل۹- استفاده ازکلمات سنجیده و به موقع (نصیریولیک بنی و همکاران ،۱۳۹۱). در حقیقت ایجاد روابط سالم یا به دیگر سخن«سیاست برقرار کردن رابطه» یک توان‌خاص و ارجمند است که هوش‌اجتماعی نام دارد(بوزان[7]۲۰۰۲, ؛ نصیریولیک نبی و همکاران ،۱۳۹۳). به نظر سلز[8](۲۰۰۷) هوش‌اجتماعی می‌تواند به طور گسترده‌ای به

1.Gotfredson
2. Albrecht
3.Moran
4. Gardner
5.Dugan
6.Nachholto
7.Buzan
8.Sells
9.Valinos

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

عنوان یک نوع هوش که در پشت تعاملات و رفتارها قرار دارد، تعریف شود(والنیوس[1] و همکاران۲۰۰۷). هوش‌اجتماعی را درک بهتر از روابط بین انسان‌ها، احساس‌ها، افکار و رفتارها تعریف کرده‌اند. کراون(۲۰۰۹) آن را به عنوان دو نوع هوش فردی که به دو جنبه هوش درون‌فردی و هوش بین‌فردی که شامل دانش و آگاهی در مورد خود و دیگران است تعریف کرده است. مطابق با نظر بوزان (۲۰۰۲)، هوش‌اجتماعی متشکل از هشت عامل است.۱- خواندن ذهن افراد و شناخت افراد با استفاده از علائم بدنی و ارتباط‌کلامی و غیرکلامی۲- مهارت شنیداری فعال ۳- اجتماعی بودن ۴- تأثیرگذاشتن بر دیگران۵- فعال بودن در زمینه‌های‌اجتماعی محبوبیت ۶- مشورت و حل مسائل به صورت اجتماعی۷- ترغیب و درک چگونگی رفتار در زمینه‌های مختلف اجتماعی. در مجموع هوش‌اجتماعی به عنوان توانایی به انجام رساندن وظایف و کارهای بین‌فردی و خردمندانه رفتارکردن در رابطه‌ها مطرح میشود. هوش‌اجتماعی به عنوان قابلیتی شناخته می‌شود که به فرد اجازه می‌دهد که رفتار مناسب را جهت دستیابی به یک هدف مشخص داشته باشد. اینطور به نظر میرسد که هوش‌اجتماعی به معنی باهوش بودن در رابطه‌ها است نه درباره آن‌ها (کراون،۲۰۰۹؛ سلگی و همکاران ،۱۳۹۱). همچنین هوش‌اجتماعی عبارت است از توانایی بکارگیری مهارت‌های ارتباطی، روابط دوستانه با دیگران، رفتارهای‌اجتماعی و هم‌دلی با دیگران و مؤلفه‌های هوش-اجتماعی عبارتند از: پردازش اطلاعات اجتماعی؛ یعنی توانایی درک و فهم و پیشبینی رفتار و احساسات دیگران. آگاهی‌اجتماعی؛ درک مناسب از نگرانی‌ها و احساسات سایرین از ارکان موفقیت در فعالیت‌های‌اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی؛ حساسیت به دیگران، برای کسب عملکرد شغلی برتر، توانایی شناخت نیازهای دیگران و در نهایت توانایی شناسایی نگرانی‌های دیگران(محمدیان و همکاران،۱۳۸۵). برای تقویت هوش‌اجتماعی می‌توان روش‌های زیر را بکار برد ۱- هماهنگی حرکات بدنی با گفتار ۲- افزایش معاشرت و ارتباط خود با دیگران ۳ - آموزش اولیه در خانواده ۴ - ارتباط و تبادل افکار و اطلاعات ۵ - نهادینه کردن آموزش هوش‌اجتماعی در مدرسه و جامعه ۶ - تقویت هنر شنونده بودن ۷- برخورد با هر فرد به آن صورتی که هست و استحقاق دارد ۸- ارزش قایل شدن برای سخنان افراد مقابل ۹- استفاده از کلمات زیبا سنجیده و به موقع (مهرابی و همکاران، ۱۳۸۶). در تعریف هوش‌اجتماعی درباره یک طبقه کلی صحبت می‌شود، یعنی ظرفیت انسان برای درک آن‌چه که در دنیا رخ می‌دهد و پاسخ به آن به شیوه مؤثر شخصی و اجتماعی (لیورگود[1]، ۲۰۰۹. کارل آلبرت ۲۰۰۴). هوش‌اجتماعی را عبارت از خوب برخورد کردن با دیگران و به دست آوردن همکاری آن‌ها می‌داند و معتقد است که این هوش شامل آگاهی از موقعیت‌ها و سیستم رفتار اجتماعی است که آن‌ها را کنترل می‌کند و یک دانش از سبک‌های تعامل و استراتژی‌هایی است که می‌تواند به یک شخص در به انجام رساندن اهدافش در برخورد با دیگران کمک کند(دانیل گلمن، ۲۰۰۷). نیز معتقد است که هوش بین‌فردی یا هوش‌اجتماعی یعنی مهارت عاطفی که برای حفظ ارتباط‌های نزدیک در دوستی‌ها، ازدواج یا ارتباط شغلی، اساسی است. این مهارت‌ها در کودکی جوانه می‌زند و در طول زندگی شکوفا می‌شود(عسگری و همکاران ،۱۳۸۹). هوش‌اجتماعی، جدیدترین تحول در زمینه فهم ارتباط میان تعقل و احساسات نیز هست. علی رغم دیدگاه‌های اولیه، نگاه واقع بینانه به ماهیت انسان نشان می‌دهد که انسان نه منطق صرف است و نه عاطفه (احساس) صرف، بلکه ترکیبی از هر دو است. بنابراین توانایی شخص برای سازگاری و چالش در زندگی به عملکرد منسجم قابلیت‌های عاطفی یا اجتماعی و منطقی وی وابسته است. از این رو، شخصیت یک فرد در زندگی، زاییده استعدادهای عاطفی نهفته است نه ضریب هوشی. آنچه که مسلماً در مورد افراد موفق در زمینه اجتماعی می‌دانیم این است که لزوماً آن‌ها باهوش‌ترین فرد جامعه از لحاظ ضریب هوشی نیستند، بلکه آنها شعور اجتماعی بالاتری نسبت به دیگران دارند و به همین وسیله افراد را به سمتی که در نظر دارند سوق می‌دهند. باید گفت رمز نفوذ آنها بر افراد نیز همین نکته است. زندگی اجتماعی برای انطباق با تغییرات و به منظور بقا و رشد در محیط‌های جدید، ویژگی‌های خاصی را می‌طلبد که عموماً افراد برای پاسخ به آن‌ها با مشکلات بسیاری مواجه می‌شوند(عزیزی نژاد ،۱۳۹۳).

1 .Livergard

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

فرضیه پژوهش

فرضیه پژوهش مبنی براینکه(بین هوش‌هیجانی و هوش‌اجتماعی دانش‌آموزان یک‌زبانه و دوزبانه تفاوت معناداری وجود دارد).

روش‌شناسی پژوهش

طرح پژوهش توصیفی و از نوع علی‌مقایسه‌ای است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانش‌آموزان دختر و پسر شهر اهواز و نمونه پژوهش شامل ۸۰ دانش‌آموز دختر و پسر (۲۹دختر و ۵۱ پسر) بودند که به روش دردسترس انتخاب شدند روش تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به نوع پژوهش و متغیرهایی که پرسشنامه‌ها می‌سنجد آمار توصیفی و استنباطی است؛ بدین منظور با استفاده از نرم افزار SPSS ابتدا به محاسبه میانگین و انحراف استاندارد و دیگر شاخص‌های توصیفی پرداخته، و سپس با استفاده از روش آماری تحلیل‌واریانس‌چندمتغیری(مانوا) تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌های پژوهش انجام شد. در این پژوهش از پرسشنامه‌های امید به زندگی، تاب‌آوری و تمایزیافتگی به همراه ویژگی‌های جمعیت شناختی استفاده شده است. همچنین در این پژوهش از پرسشنامه هوش‌هیجانی شوت[1](MSEIS) و پرسشنامه هوش‌اجتماعی سیلورا و همکاران[12] (۲۰۰۱) استفاده شده است. پرسشنامه هوش‌هیجانی شوت (MSEIS)، شوت و همکاران در سال،۱۹۹۸ این پرسشنامه را بر اساس مدل نظری (سالووی و همکاران ،۱۹۹۰) از هوش‌هیجانی ساختند. این مقیاس دارای ۳۳ گویه و سه خرده مقیاس ارزیابی و ابراز هیجانی، تنظیم هیجانی، و بهره‌برداری از هیجان است. خسرو جاوید(۲۰۰۲) به منظور محاسبه اعتبار از ضریب آلفای‌کرونباخ و جهت محاسبه روایی سازه و همبستگی درونی خرده مقیاس هوش هیجانی از روش تحلیل عاملی استفاده کرد. عسگری و همکاران با استفاده از ضریب آلفای‌کرونباخ کل مقیاس را ۰/۶۱ گزارش کردند در مرحله بعد به منظور بررسی اعتبار و روایی سازه، پرسشنامه هوش‌هیجانی شوت در نوجوانان اعتباریابی شد. تحلیل عاملی مقیاس با استفاده از تحلیل مؤلفه‌های اصلی، سه عامل تنظیم هیجانی(۰/۷۸)، ابزار هیجانی(۰/۶۰)، بهره برداری از هیجان(۰/۵۰) را پیشنهاد می‌دهد. لازم به ذکر است اعتبار این پرسشنامه برحسب ضریب آلفای‌کرونباخ توسط پژوهشگر(۰/۷۶)به دست آمد. یک پرسشنامه خودسنجی ۴۱ سوالی است که برای سنجش هوش‌هیجانی خصیصه ای ساخته شده است(آستین و همکاران، ۲۰۰۴) . پرسشنامه هوش‌اجتماعی سیلورا و همکاران(۲۰۰۱) این پرسشنامه توسط سیلورا و همکاران(۲۰۰۱) تهیه شده است، که سه حوزه هوش اجتماعی یعنی پردازش اطلاعات‌اجتماعی، مهارت‌های‌اجتماعی و آگاهی‌اجتماعی را می‌سنجد. این پرسشنامه از ۲۱ گویه تشکیل شده است و در این پرسشنامه از پاسخ دهندگان خواسته می‌شود تا عقاید خودشان دربارهٔ هر گویه را بر روی یک مقیاس ۷ درجه‌ای مشخص کنند در سؤالات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۵، ۱۶ و ۱۹ برای گزینه کاملاً مخالفم، مخالفم، تاحدودی مخالفم، نظری ندارم، تاحدودی موافقم، موافقم و کاملاً موافقم به ترتیب نمره‌های ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱منظور شده است و بقیه گویه‌ها به صورت بر عکس نمره‌گذاری می‌شود. به این ترتیب حداقل نمره کل گویه‌های این ابزار برابر ۲۱ و حداکثر نمره آن برابر ۱۴۷ می‌باشد در این تحقیق برای تعیین روایی ابزار جمع‌آوری اطلاعات از روایی نمادی یا صوری استفاده گردیده است میزان پایایی سؤالات هوش اجتماعی، بترتیب ۰/۷۵۷ بدست آمد.

یافته‌ها

جدول ۱: ویژگی جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها

جنسیت	فراوانی	درصد
دختر	۲۹	۳۶/۳
پسر	۵۱	۶۳/۸

همانطور که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد ۲۹ نفر از گروه نمونه را دختران که معادل ۳۶/۳ درصد گروه نمونه را به خود اختصاص می‌دهند و ۵۱ نفر از آنها پسران می‌باشند که ۶۳/۸ درصد گروه نمونه می‌باشند.

1.Shoot
2.Silvera.et.al

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

جدول۲: شاخص‌های توصیفی هوش‌هیجانی و هوش‌اجتماعی در دو گروه پژوهش

متغیر	گروه	زیرمقیاس	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
هوش هیجانی	یک زبانه	تنظیم هیجان	۴۷/۷۰	۱۲/۵۱	-۰/۰۸	-۰/۰۶۹
		ارزیابی هیجان	۴۹/۱۵	۱۳/۸۷	۰/۰۳۲	-۰/۸۹
		بهره‌برداری از هیجان	۴۵/۶۷	۱۱/۰۹	-۰/۰۶۲	-۰/۷۶
		نمره کل هوش‌هیجانی	۱۴۲/۵۲	۳۵/۸۳	-۰/۰۶۷	-۰/۹۴
	دو زبانه	تنظیم هیجان	۵۵/۵۲	۷/۷۵	-۰/۱۳	-۰/۶۴
		ارزیابی هیجان	۵۷/۸۵	۸/۸۵	-۰/۰۳۳	-۰/۵۵
		بهره‌برداری از هیجان	۵۰/۵۰	۷/۲۶	-۰/۲۲	-۰/۳۸
		نمره کل هوش‌هیجانی	۱۶۳/۸۷	۲۱/۶۶	۰/۰۷۶	۰/۴۴
هوش اجتماعی	یک زبانه	پردازش اطلاعات اجتماعی	۲۵/۲۷	۸/۱۳	۰/۱۰	-۰/۱۸
		مهارت‌های‌اجتماعی	۲۵/۴۵	۶/۷۶	۰/۲۵	-۰/۸۳
		آگاهی‌های‌اجتماعی	۲۵/۴۷	۶/۱۳	-۰/۱۲	-۰/۹۷
		نمره کل هوش‌اجتماعی	۷۵/۲۰	۱۳/۹۴	-۰/۲۸	-۰/۹۴
	دو زبانه	پردازش اطلاعات‌اجتماعی	۲۰/۰۷	۶/۳۶	-۰/۳۶	-۰/۷۰
		مهارت‌های‌اجتماعی	۲۶/۸۰	۸/۲۱	۰/۱۸	۰/۱۳
		آگاهی‌های‌اجتماعی	۲۴/۱۷	۵/۷۲	-۰/۷۳	۰/۲۵
		نمره کل هوش‌اجتماعی	۷۱/۰۵	۱۵/۷۰	-۱/۰۴	۰/۹۸

جدول۲ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در آزمودنی‌های یک‌زبانه و دوزبانه را نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که در مؤلفه هوش‌هیجانی میانگین نمره کل هوش‌هیجانی در دانش‌آموزان دوزبانه بیشتر از دانش‌آموزان یک‌زبانه می‌باشد. همچنین در همه زیر مقیاس‌های هوش هیجانی(تنظیم هیجان، ارزیابی هیجان و بهره‌برداری از هیجان) دانش‌آموزان دو زبانه میانگین بالاتری نسبت به دانش‌آموزان یک زبانه کسب کردند. در رابطه با مؤلفه هوش‌اجتماعی میانگین نمره کل دانش‌آموزان یک‌زبانه از نمره کل دانش‌آموزان دوزبانه بیشتر است. در رابطه با زیر مقیاس‌های هوش اجتماعی(پردازش اطلاعات اجتماعی، مهارت‌های‌اجتماعی و آگاهی‌های‌اجتماعی) نیز دانش‌آموزان یک‌زبانه میانگین بالاتری نسبت به دانش‌آموزان دوزبانه کسب کردند. همچنین میزان چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش در بازه ۲- تا ۲ می‌باشد و این امر نشان می‌دهد داده‌ها از چولگی و کشیدگی بالایی برخوردار نیستند و تقریباً از توزیع نرمال پیروی می‌کنند.

برای بررسی فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه «بین هوش‌هیجانی و هوش‌اجتماعی دانش‌آموزان یک‌زبانه و دوزبانه تفاوت معناداری وجود دارد» از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد و قبل از آن از آزمون کلموگروف اسمیرنوف جهت سنجش شرط انجام آزمون پارامتریک استفاده شده است که نتایج نشان داد سطح معناداری به دست آمده از آزمون کلموگروف اسمیرنوف و آزمون لوین برای بررسی همگنی واریانس‌های متغیرهای پژوهش یعنی هوش‌هیجانی و هوش‌اجتماعی و زیرمقیاس‌های این دو متغیر بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد ($P< ۰/۰۵$). بنابراین توزیع داده‌های مربوط به این متغیرها نرمال بوده و همچنین شرط همگنی واریانس‌ها نیز برقرار می‌باشد و می‌توان برای تجزیه و تحلیل استنباطی داده‌ها از آزمون پارامتریک تحلیل واریانس استفاده نمود.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

جدول ۴: نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری برای سنجش تفاوت هوش‌هیجانی و هوش‌اجتماعی در دانش‌آموزان یک‌زبانه و دوزبانه

		مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
تنظیم هیجان	بین گروهی	۱۲۲۴/۶۱	۱	۱۲۲۴/۶۱	۱۱/۳۰	۰/۰۰۱
	درون‌گروهی	۸۴۵۰/۳۷	۷۸	۱۰۸/۳۳		
ارزیابی هیجان	بین گروهی	۱۵۱۳/۸۰	۱	۱۵۱۳/۸۰	۱۱/۱۷	۰/۰۰۱
	درون‌گروهی	۱۰۵۶۶/۲۰	۷۸	۱۳۵/۴۶		
بهره‌برداری از هیجان	بین گروهی	۴۶۵/۶۱	۱	۴۶۵/۶۱	۵/۲۹	۰/۰۲۴
	درون‌گروهی	۶۸۵۸/۷۷	۷۸	۸۷/۹۳		
هوش‌هیجانی	بین گروهی	۹۱۱۶/۴۵	۱	۹۱۱۶/۴۵	۱۰/۴۰	۰/۰۰۲
	درون‌گروهی	۶۸۳۷۲/۳۵	۷۸	۸۷۶/۵۶		
پردازش اطلاعات اجتماعی	بین گروهی	۵۴۰/۸۰	۱	۵۴۰/۸۰	۱۰/۱۳	۰/۰۰۲
	درون‌گروهی	۴۱۶۲/۷۵	۷۸	۵۳/۳۶		
آگاهی‌های اجتماعی	بین گروهی	۳۳/۸۰	۱	۳۳/۸۰	۰/۹۵	۰/۹۵
	درون‌گروهی	۲۷۴۹/۷۵	۷۸	۳۵/۲۵		
مهارت‌های اجتماعی	بین گروهی	۱۱۰/۴۵	۱	۱۱۰/۴۵	۱/۹۵	۰/۱۶
	درون‌گروهی	۴۴۱۴/۳۰	۷۸	۵۶/۵۹		
هوش‌اجتماعی	بین گروهی	۳۴۴/۴۵	۱	۳۴۴/۴۵	۱/۵۶	۰/۲۱
	درون‌گروهی	۱۷۲۰۴/۳۰	۷۸	۲۲۰/۵۶		

با توجه به نتایج جدول ۳، سطح معناداری به‌دست آمده از آزمون تحلیل‌واریانس‌چندمتغیری (MANOVA) نشان داد که بین دو گروه، در هوش‌هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین بین زیر مقیاس‌های آن(تنظیم هیجان، ارزیابی هیجان و بهره‌برداری از هیجان) نیز بین دو گروه دانش‌آموز یک‌زبانه و دوزبانه تفاوت معناداری در سطح ($P \leq ۰/۰۵$) وجود دارد. از لحاظ هوش‌اجتماعی نتایج جدول ۳ نشان داد بین دو گروه دانش‌آموز یک‌زبانه و دوزبانه از لحاظ توانایی هوش‌اجتماعی تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین از لحاظ زیرمقیاس‌های هوش‌اجتماعی تنها از لحاظ پردازش اطلاعات‌اجتماعی بین دو گروه تفاوت معناداری در سطح($P \leq ۰/۰۵$) وجود دارد، اما بین دو مؤلفه دیگر مهارت‌های‌اجتماعی و آگاهی‌های‌اجتماعی تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد.

بحث و نتیجه‌گیری: پژوهش حاضر به بررسی و مقایسه هوش‌اجتماعی و هوش‌هیجانی در دانش‌آموزان دوزبانه و تک‌زبانه شهر اهواز پرداخته است. باتوجه به بررسی‌های انجام شده پژوهشی تحت عنوان پژوهش حاضر یافت نشد. مطالعات مختلف نشان داده است که دو زبانه‌ها در کارکردهای اجرایی از تک‌زبانه‌ها بهتر عمل می‌کنند(بیالیستوک و همکاران، ۲۰۱۲؛ باراک،و همکاران،۲۰۱۴).کارکردهای اجرایی شامل برنامه ریزی، بازدارندگی، جابجایی و به روزرسانی است. مزیت انعطاف‌پذیری در دوزبانه‌ها در حوزه اجتماعی که بیشتر است(گرین و گولان، ۲۰۰۹). همچنین در پژوهشی تحت عنوان رابطه بین خلاقیت و دوزبانگی و تک‌زبانگی که (توسط لی و کیم،۲۰۱۱) انجام شد مشخص گردید که دانش‌اموزان دوزبانه از قدرت خلاقیت بالاتری برخوردارند، بنابراین درجه دوزبانگی و خلاقیت افراد مثبت است. همینطور در پژوهشی که توسط(واعظی و همکاران ،۱۳۹۱) در خصوص تفاوت پردازش‌شناختی بین دانش‌آموزان تک‌زبانه و دوزبانه انجام گردید مشخص شد که بین دانش‌آموزان دوزبانه و تک‌زبانه تفاوت معناداری وجود ندارد و نتایج این تحقیق با پژوهش حاضر همسو نبود همچنین نتایج پژوهش حاکی از این بود که در مؤلفه هوش‌هیجانی میانگین نمره کل هوش‌هیجانی در دانش‌آموزان دوزبانه بیشتر از دانش‌آموزان یک‌زبانه

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

می‌باشد. همچنین در همه زیر مقیاس‌های هوش‌هیجانی(تنظیم هیجان، ارزیابی هیجان و بهره‌برداری از هیجان) دانش‌آموزان دو زبانه میانگین بالاتری نسبت به دانش‌آموزان یک‌زبانه کسب کردند. برای بررسی فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه«بین هوش‌هیجانی و هوش‌اجتماعی دانش‌آموزان یک‌زبانه و دوزبانه تفاوت معناداری وجود دارد» از آزمون تحلیل‌واریانس-چندمتغیری استفاده شد و قبل از آن از آزمون کلموگروف‌اسمیرنوف جهت سنجش شرط انجام آزمون پارامتریک استفاده شده است که نتایج نشان داد سطح معناداری به دست آمده از آزمون کلموگروف اسمیرنوف و آزمون لوین برای بررسی همگنی واریانس‌های متغیرهای پژوهش یعنی هوش‌هیجانی و هوش‌اجتماعی و زیر مقیاس‌های این دو متغیر بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد (P ۰/۰۵). بنابراین نتایج آزمون فرضیه‌های مربوط به تفاوت بین هوش‌هیجانی و مؤلفه‌های آن در دانش‌آموزان تک‌زبانه و دوزبانه نشان می‌دهد که بین دانش‌آموزان یک‌زبانه و دوزبانه از لحاظ هوش‌هیجانی و خرده مقیاس‌های آن تفاوت معنی‌دار وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه با یافته‌های واعظی(۱۳۹۱) و بلوچ (۱۳۹۳) همسو و با یافته‌های بشارت (۱۳۸۵)، پیشقدم (۱۳۸۷) و نیازی (۱۳۹۲) مبنی بر این که هوش‌هیجانی دوزبانه‌ها بیشتر از یک زبانه‌ها بود، همخوانی دارد نتایج حاصل از آزمون تحلیل‌واریانس‌چندمتغیری نشان داد که از بین مؤلفه‌هایی هوش‌هیجانی، بین تنظیم‌هیجان در دانش‌آموزان یک‌زبانه و دوزبانه متفاوت تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج تحلیل توصیفی نیز نشان داد که میانگین تنظیم‌هیجان در دانش‌آموزان دوزبانه بالاتر از دانش‌آموزان یک‌زبانه است، درنتیجه کودکان گروه دوزبانه تنظیم‌هیجان بالاتری داشتند. دانش‌آموزان با هوش‌هیجانی بالاتر در شناخت احساسات خود و دیگران و استفاده از این شناخت در هدایت رفتار و مقاومت در مقابل فشار همسالان توانایی بیشتری دارند. از لحاظ هوش‌اجتماعی نتایج جدول ۳ نشان داد بین دوگروه دانش‌آموز یک‌زبانه و دوزبانه از لحاظ توانایی هوش‌اجتماعی تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین از لحاظ زیر مقیاس‌های هوش-اجتماعی تنها از لحاظ پردازش‌اطلاعات اجتماعی بین دو گروه تفاوت معناداری در سطح(P ≤۰/۰۵) وجود دارد، اما بین دو مؤلفه دیگر مهارت‌های‌اجتماعی وآگاهی‌های‌اجتماعی تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد. در پژوهشی که توسط(دوائل و وی،۲۰۱۲) انجام شد مشخص شد که دانش‌آموزان دوزبانه به نسبت به تک‌زبانه دارای انعطاف پذیری‌اجتماعی و به تبع آن هوش‌اجتماعی بالاتری هستند و همین امر باعث شود قدرت سازگاری‌اجتماعی بالاتری در موقعیت‌های مختلفی داشته باشند.کیزر و رامیرزاسپارزا فرض کردند که استفاده منظم از دوزبان می‌تواند انعطاف‌پذیری‌اجتماعی را بهبود بخشد نتایج حاصل از آزمون فرضیه مربوط به تفاوت بین هوش‌اجتماعی در دوزبانه ها و تک‌زبانه‌ها با پژوهش(عباسی و مراتی ،۱۳۹۳) در خصوص بررسی تنوع زبان‌ها و رابطه آن با هوش‌اجتماعی همسو است که هیچ تفاوت معناداری در خصوص هوش‌اجتماعی در بین دانش‌آموزان تک‌زبانه و دوزبانه وجود ندارد. پژوهش حاضر روی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان اهواز انجام شده است، بنابراین نتایج پژوهش حاضر حاکی از این است که بین دانش‌آموزان تک‌زبانه و دوزبانه از نظر هوش‌هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد یعنی دوزبانه‌ها در مقایسه با تک‌زبانه‌ها هوش‌هیجانی بالاتری دارند اما در خصوص هوش‌اجتماعی بین تک‌زبانه‌ها و دوزبانه تفاوت معناداری مشاهده نشد. ازجمله محدودیت‌های پژوهش حاضر این بود که به علت مشکلات اجرایی، امکان انتخاب حجم نمونه بیشتر میسر نبود لذا در تعمیم نتایج آن به دانش‌آموزان با ویژگی‌های فرهنگی، جنسی و سنی متفاوت باید احتیاط نمود. به طورکلی با توجه به اینکه مفهوم هوش‌هیجانی و هوش‌اجتماعی مفهومی نسبتاً جدید در مباحث روانشناسی‌تربیتی است توصیه می‌شود که بین هوش‌هیجانی و چگونگی استفاده از آن در دانش‌آموزان و تعلیم و تربیت در طی دوره‌های ضمن وخدمت آموزش داده شود و همچنین آموزش مهارت‌های هوش‌هیجانی به صورت کاربردی، مداوم و به زبان ساده از دوره دبستان به دانش آموزان ارائه شود و از آنجا که روش پژوهش حاضر از نوع علی مقایسه‌ای است از استنباط رابطه علّی بین متغیرهای پژوهش باید اجتناب کرد. با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود: نخست پژوهش‌های بیشتری بر روی افراد دارای گروه‌های سنی، جنسی، زبانی و فرهنگی مختلفی صورت گیرد تا از این طریق میزان عمومیت نتایج پژوهش حاضر مشخص گردد. دوم، با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر در مورد مزیت‌های دوزبانگی توصیه می‌شود با به کارگیری اصول علمی روانشناسی زبان، آموزش زبان دوم از سنین مشخصی آغاز شود و با روش‌های مناسب و مؤثر آموزش داده شود.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

منابع

اسکندری، غلامرضا، ...و دیگران (۱۳۸۸) تاثیر هوش اخلاقی مدیران بر مهارت ها ارتباطی آنان در سازمان تامین اجتماعی، فراسوی مدیریت، سال ششم، شماره ،۲۱ تابستان ، صص .۱۱۵-.۱۲۳

آذین، احمد؛ موسوی، محمود (۱۳۹۰) ، بررسی نقش عوامل آموزشگاهی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان مقطع متوسطه ی شهرستان فریدونشهر (۱۳۸۸) ، جامعه شناسی کاربردی، سال بیست بیست و دوم، شماره ی پیاپی ، 41شماره اول، بهار، صص .۲۱۱-۱۳۳.

آنگ، تون تت (۱۳۸۶). آزمون هوش اجتماعی (ترجمه محمد مجدیان.) جزوه، تهران، شرکت آزمون یار پویا.

آهنچیان، محمدرضا؛ امیری، رعنا، بخشی، محمود(۱۳۹۱)ربررسی همبستگی هوش فرهنگی با تعامل اجتماعی در پرستاران، مدیریت ارتقای سالمت، دوره ی ،۱ شماره ،۲ بهار ، صص .۴۴-۵۳.

باباپور، خیرالدین، ج و دیگران (۱۳۸۸) .بررسی نقش عوامل جمعیت شناختی در سالمت اجتماعی دانشجویان دانشگاه تبریز. فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز ،شماره ۱۶؛ ص .۱-۱۱.

برندک، معصومه؛ حمیدی، منصورعلی؛(۱۳۸۷)، مهارت آموزی در زمینه عاطفی/ اجتماعی در راستای بهبود کارکردهای شناختی: طراحی و آزمایش یک دورهٔ آموزشی برای افزایش هوش عاطفی ،فصلنامه تعلیم و تربیت ، شماره ،۱۲ صص.۲۱-۵۲.

برونشوزن، م.ن (۱۳۸۶) ، محیط اجتماعی و هوش، مجله تعلیم و تربیت، سال هفتم، شماره .۱.

بشارت، محمد علی (۱۳۸۶) بررسی تاثیر هوش هیجانی بر کیفیت روابط اجتماعی، مطالعات روان شناختی، دوره ی ، 1 شماره ی ،۲ بهار و تابستان.

ماهینی، فاطمه(۱۴۰۲)، بررسی تجربه زیسته معلمان و دانش آموزان دوره ابتدایی شادگان از مشکلات دو زبانگی دانش آموزان،مجله مطالعات آموزش و یادگیری.

مصطفی زاده، سامینا(۱۳۹۷)، مقایسه خودکارآمدی اجتماعی ، انعطاف پذیری شناختی در یادگیری زبان انگلیسی بین دانش اموزان دوزبانه ترک، کورد،ارمنی پایه ششم مدارس غیرانتفاعی ارومیه. پایان نامه کارشناس ارشد رشته روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه.

Abraham, A. (2019). The need for the integration of emotional intelligence skills in business education, the business renaissance quarterly. Journal Information Available, 3, 29-36.

Afsharrad, M., & Sadeghi Benis, A. R. (2017). Differences between monolinguals and bilinguals/males and females in English reading comprehension and reading strategy use. *International Journal of Bilingual Education and Bilingualism, 20*(1), 34-51.

Adeyemo, D .A. (2018). Demographic Characteristics and Emotional intelligence Among Workers in some selected Organizations in Oyo state, Nigeria. Vision-12(1)43-48.

Alaei B.(2007) Bilingualism and appropriate educational approach. Bilingualism and Appropriate EducationalApproach.; 22: 190-75.

Aliakbari, N., & Nasirizarandi, Z. (2019). Bilingualism and Persian language teaching methods in elementary school. New Advances in Psychology, Educational Sciences, and Education, 2(18), 42-49.

Averill, J. R, (2009). Together again: Emotion and intelligence reconciled. In G. Mattews, M. zeidner, & R. D. Roberts, (Eds.), Emotional intelligence: Knowns and unknowns (pp. 49-71), New York, Oxford University

Bialystok, E., Craik, F. I. M.(2010), Green, D. W., & Gollan, T. H Bilingual minds. Psychological Science in thePublic Interest, 10(3), 89–129

Bialystok, E., Craik, F. I. M., & Luk, G. (2012). Bilingualism Consequences for mind and brain. Trends in Cognitive Sciences, 16(4), 240–250

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

Bozan, Tony. (2005). "Capabilities of Social Intelligence", translated by Behnaz Kamali, Tehran: Negar Publications .

Brackett, M. A & Katulak, N. A, (2007). Emotional intelligence in the classroom: Skill-based training for teachers and students. In J. Ciarrochi and J. D. Mayer (Eds.), Applying emotional intelligence, (pp. 1-27), Psychology..

Butler, G. Y. and K. Hakuta (2006). 'Textbooks Bilingualism and Second Language Acquisition'. The Handbook of Bilingualism, Oxford: Blackwell Golman, Daniel.

Crowne, K. A. (2009). The relationship ampng social intelligence, emotional intelligence and culturalintelligence. Organization Management Journal, 6: 148-163

David, L., Van Rooy, A. A. & Chockalingam , V. (2022). Group differences in emotional intelligence scores: theoretical and practical implications. Personality and individual differences, 18 (1), 986-322.

Dewaele, J.-M. (2012) Personality. Personality traits as independent and dependent variables. In S. Mercer, S. Ryan M. Williams (Eds.) Psychology for Language Learning independent Insights from Research, Theory and Practice (pp. 42–58) . Basingstoke: Palgrave Macmillan

Dong, O., Koper, R.G., & Collaço, C.M. (2008). "Social Intelligence, Selfesteem, and Intercultural Communication Sensitivity". Intercultural Communication Studies. 162-165.

Gardner, H. (1983), "Frames of Mind", Basic Books, New York, NY.

Ghaaderi, M., Bolandhemataan, K., Havaasbeigi, F., & Babakaani, S. (2018). Elementary school teachers' life experience with the challenges of teaching in Farsi in bilingual areas. Quarterly Journal of Education, 34(1), 95-114

Goleman, D. (1995), "Emotional Intelligence", Bantam, New York, NY.

Hedlund, J & Sternberg, R. J, (2000). Too many intelligences? In R. Bar-On and J.D.A. Parker (Eds.), The Handbook of emotional intelligence: Theory, development, assessment, and application at home, school, and in the workplace, (pp. 136-167), San Francisco, Jossey-Bass

Khosrojavid M(2002). Verifying the reliability and validity of Schutte emotional intelligence on teenagers, [Thesis for Master of Science]. [Tehran, Iran]: Faculty of Education and Psychology, Tarbiat Modares University;. pp 38.

kizer, E. G., & Ramírez-Esparza, N. (2017). Bilinguals' social flexibility. Bilingualism: Language and Cognition, 1–1.

Marti, S.J., (2005). "Autonomous Interactive Intermediaries: Social Intelligence for Mobile Communication Agents". Program in Media Arts and Sciences, Massachusetts Institute of Technology. P. 23.

Mayer, J. D, Salovey, P & Caruso, D. R, (2004). Emotional intelligence: findings, and implications, Psychological Inquiry, 15, 197-215.Theory.

McKian, E. (2005). The New American Oxford Dictionary, Oxford: Oxford University.

Parker, J. D. A., Saklofske, D. H., Shaughnessy, P. A., Huang, S. H. S., Wood, L. M., & Easta Brook, J. M. (2022). Generalizability of the emotional intelligence construct: A

Paulston, C.B.(1988) International handbook of bilingualism and bilingual education. Greenwood Publishing Group;, pp: 403-425.

Rezaei, Akbar. (2010). "Tromso Social Intelligence Scale: Factor Structure and Reliability of Persian Version of Scale in Students' Community", Iranian Journal of Psychology, 5th Year, 20, 2008-2009 .

Salovey, P., and Mayer, J. D. (1997), "Emotional Intelligence", Imagination, Cognition and Personality, Vol. 9, No. 3 pp. 185- 211.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

Silvera, D.H., Martinussen, M., & Dahl, T.I., (2001). The Tromsø Social Intelligence Scale, a Self-report Measure of Social Intelligence, Scandinavian Journal of Psychology, 42, 313-319.

Vaezi, S., Zolfaghari Ardechi, F., & Rahimi, E. (2012). Cognitive processing in bilingual and monolingual children. Tafakkor va Kudak (Thinking and Children), 3(1), 119- 134.

Yarmohamadian A, Sharafirad H.(2011) Analyzing the relationship between emotional intelligence and social adjustment in adolescents. Journal of Applied Sociology.; 22(4): 35-50.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]

Investigation and Comparison of Social Intelligence and Emotional Intelligence in Bilingual and Monolingual Students of Shahre-Ahwaz

Hadis Dehnavi[1], Vahideh Rahmani Yousefi[2], Safa Neisi [3]

Abstract

Purpose: The present study was conducted to investigate and compare social intelligence and emotional intelligence in bilingual and monolingual students of Ahvaz city. **Materials and Methods:** The statistical population of this research included male and female students of Ahvaz city, the research sample included 80 male and female students (30 female and 50 male) who were selected using the available method. To collect data, Silvera et al.'s (2001) Social Intelligence Questionnaire and Shot Emotional Intelligence Questionnaire (MSEIS) were used. The data were analyzed using multivariate analysis of variance. **Findings**: The results showed that the average score of emotional intelligence in bilingual students is higher compared to monolingual students. Also, bilingual children perform better than monolingual children in all components of emotional intelligence. However, there is no significant difference in social intelligence between bilingual and monolingual students.

Keywords: Social Intelligence, Emotional Intelligence, Bilingual, Monolingual.

[1] MSC, Department of psychology, faculty of Literature and Humanity sciences, Lorestan University, Khoram Abad, Iran

[2] Graduate student of Educational Technology at Payam Noor Kermanshah University, Ravansar Center

[3] Ph.D. student of Educational Psychology, Azad University, North Tehran Branch (Corresponding author)

[Downloaded from jnip.ir on 2026-11-24]